

روزنامه همدلی

روزنامه سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران

یکشنبه ۱۰ دی ۱۴۰۲ - ۱۷ جمادی الثانی ۱۴۴۵ - ۳۱ دسامبر ۲۰۲۳ - شماره ۲۳۳۱ - سال هشتم

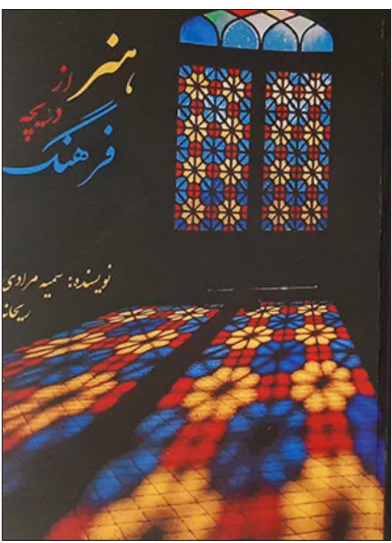
۸ صفحه - قیمت ۱۰۰۰۰ تومان - ضریب کیفی ۶۱۴

hamdelidaily.ir | hamdeli@gmail.com | newspaper.hamdeli@gmail.com | t.me/HamdeliNews

صاحب امتیاز، مدیر مسئول: ولی‌الله شجاع‌پوریان | سردبیر: جلال خوش‌چهره | چاپ: صمیم ۴۴۵۳۳۷۲۵ - ۰۲۱ | توزیع: نشر گستر امروز ۰۲۱۶۹۱۳۳۰۰۰ | تهران: خیابان مطهری- نرسیده به تقاطع سهروردی- خیابان سنندج | خیابان زاهدان- پلاک ۸- واحد ۲- تلفکس: ۰۲۱۶۹۸۱۲۷۵ - ۰۲۱۶۹۸۱۲۷

کتاب

کتاب «هنر از دریچه فرهنگ» منتشر شد



کتاب «هنر از دریچه فرهنگ؛ نقاشی قهوه‌خانه‌ای با نگرشی بر آثار ژازه تباتبایی (طباطبایی)» نوشته سمیه مرادی به بازار کتاب آمد. این کتاب از ۱۵ فصل و یک مقدمه و منابع تشکیل شده که نویسنده تلاش داشته، اندیشه و زیبایی‌شناسی هنرمند فاجر و خلاق این هنر، ژازه تباتبایی و مکتب هنری و ایرانی قهوه‌خانه‌ای را از دیدگاه نظر به‌پردازان هنر به مخاطب نشان دهد. پردازش هنر به‌جاذبه‌های تاریخی، قهوه‌خانه‌ات ساختار جامعه صفوی و تفریحات رایج در قهوه‌خانه‌ها، بررسی تطبیقی نقاشی قهوه‌خانه‌ای و دیوارهای بقاع متبرک گیلان، بررسی جایگاه خیال و اسطوره در نقاشی قهوه‌خانه‌ای، تجلی حماسه عاشورا در نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای دوره قاجار و ... بخش‌هایی از این اثر پژوهشی است. سه فصل آخر کتاب به زنده‌یاد ژازه تباتبایی (طباطبایی) نقاش و مجسمه‌ساز صاحب سبک معاصر، چگونگی خارج شدن آثار ژازه و کارهای اجرایی او پرداخته که حاوی مطالب مهمی از زندگی فردی و اجتماعی این هنرمند فقید است. «ژازه تباتبایی (سیدعلی طباطبایی) (۱۲۰۵ تهران - ۲۰۰۰ بهمن ۱۳۸۶ تهران) نقاش و مجسمه‌ساز بود. او «نگارخانه هنر جدید» را که اولین نگارخانه ایران و یکی از مراکز فرهنگی مهم زمان خود بود تأسیس کرد. ژازه، خود نام خویش را «تباتبایی» امضا می‌کرد. شهرت امروز او بیشتر برای فیگورهای خلاقانه و مجسمه‌های فلزی است که با جفت‌کاری (آسمبلا) قطعات فلزی ماشین‌آلات صنعتی و اتومبیل‌ها ساخته‌است. سبک او به هنر سقاخانه‌ای نزدیک است و شیرزها و خورشیدها از موضوعاتی است که اغلب در کارهای وی تکرار می‌شوند. همین دلیل از او به همراه تانی چند از نقاشان معاصر ایرانی به‌عنوان پیشگامان مکتب سقاخانه در ایران یاد می‌شود که در اوایل دهه چهل شمسی شکل گرفت و شاید نخستین مکتب نقاشی منسجم ایرانی باشد. نقاشی‌های ژازه هم معرف بیان خاص ژازه و در برگیرنده فرهنگ و نمادهای مهمی است که تابع بیان فیگوراتیو و عامه پسند ویژه اوست. نقاشی‌های او را به خصوص به لحاظ شیوه

حافظه تاریخی

اعدام «ثقة الاسلام» و تعدادی دیگر از مردم

به دست قوای روسی در تبریز



در دهمین روز از دی ماه ۱۲۹۰، چند تن از عالمان و بزرگان تبریز به دست قوای اجنبی روس در میدان مشق تبریز (دانشسرای کنونی) به دار آویخته شدند. «میرزا علی تبریزی»، عالم دینی، نویسنده و مبارز مشروطه‌خواه تبریزی بود که تحصیلات دینی را در تبریز به پایان رساند و سپس در عتبات نزد آساتیدی چون «زین العابدین مازندرانی» به ادامه تحصیل پرداخت، پس از بازگشت به ایران و فوت پدرش در ۱۳۱۹ مظفرالدین شاه به پیشنهاد «محمدعلی میرزا» ولیعهد، لقب «ثقة الاسلام» به او داد و او رسماً ریاست شیخیه تبریز را بر عهده گرفت. یک پژوهشگر تاریخ، در این باره می‌گوید: شهید ثقتااسلام، از علمای مجتهد تبریز و سرآمد مشروطه خواهان بود. علما در مواجهه با نهضت مشروطه به دو طیف مخالف تبریزی بود. طیفی تقسیم می‌شدند که ثقتااسلام از علمای تبریز بود. «کریم‌میمنت‌زاد» با اشاره به ماجرای به توپ بستن مجلس توسط محمدعلی شاه، بیان می‌کند: پس از صدور فرمان مشروطیت در سال ۱۲۸۵ توسط مظفرالدین شاه، افرادی از صنف‌های مختلف به‌عنوان نماینده مجلس اجازه ورود به مجلس را پیدا کردند، این مجلس تا پیش از بیماری و از دنیا رفتن مظفرالدین شاه، پابرجا بود، اما با سرکاز آمدن محمدعلی میرزا و به دستور او، به توپ بسته شد که شهادت و جرات تعدادی از نمایندگان مجلس را به دنبال داشت. وی ادامه می‌دهد: پس از این واقعه، مشروطه‌خواهان در واکنش به اقدامات محمدعلی شاه و به توپ بستن مجلس و به سرکردگی ثقتااسلام، ستارخان و باقرخان و اسلحه به دست، اعتراض کردند و تبریز ۱ ماه توسط قوای دولتی محاصره شد. به دنبال تسلیم نشدن مشروطه خواهان، دولت وقت از قوای دولت روس کمک خواست و این گونه بود که تبریز در ۲۳ آذر ۱۲۹۰، توسط روس‌ها محاصره شد. وی می‌گوید: روس‌ها از همان بدو ورود، شروع به بدرقارتی با مردم تبریز کردند و با افزایش فشار قوای روس، ۴۰ تن از مجاهدان به سمت دولت عثمانی رفتند، اما ثقتااسلام با وجود فشارها، قرار را بر فرار ترجیح داد و معتقد بود مجتهد باید سنبل شجاعت باشد، حتی اگر ماندن به قیمت جانش تمام شود، می‌ماند.

این تبریز پژوه با بیان این‌که دی ماه ۱۲۹۰، یکی از ماه‌های خونین تبریز بود، ادامه می‌دهد: از همان اول دی که مصادف با اول محرم ۱۳۳۰ قمری بود، قوای روس شروع به دستگیری و اعدام بزرگان و مجاهدان مشروطه در تبریز کرد، به این ترتیب که اول به سراغ

نگارخانه

نگاهی به داستان «پنج سال یا زمانی همین حدود» از فیض شریفی

انسان‌ها در میدان‌های بی‌رحم عشق و مبارزه



امیر ساعدی

منتقد ادبی

این داستان از سری داستان‌های کوتاه فیض شریفی، همچون روایت‌های دیگری که از این نویسنده خوانده ایم، در نهایت ایجاز و در جمله‌هایی کوتاه به سنت نثر قدمايي فارسی تداوم دارد. شریفی از آغاز داستان، زمان را در دست می‌گیرد و از گذشته به حال و بالعکس در رفت‌وآمد است. تعلیق و انتظار مخاطب رمز کشش در روایت‌های اوست. در این داستان، او از اول شخص مفرد، در طی شروع داستان، به زبان دوم شخص و کاراکتری که در مقابل او ظاهر شده، استحاله یافته و تو گویی با خویش و درون خویش در گفت‌وگوست؛ وقتی بعد از سال‌ها غیبت و دوری از خانه و محله، برای یک دیدار عاشقانه به آنجا می‌آید و درخت و کوچه و ساختمان‌های قدیمی را، به شکلی تغییر یافته و ویران شده می‌بیند، گویی با ویرانی و تنهایی خویش و آدم‌هایی که آمدند و زندگی کردند و مردند، همسندت پنداری می‌کند. مرد راوی، می‌گوید آقای دوکاره‌ای با من سلام و علیک کرد و می‌گوید چند سال است که شما را زیارت نکرده‌ام، این

نگارخانه

چرا «باز باران» مشهور شد؟

شعر «باز باران با ترانه» یکی از شعرهایی است که در خاطره جمعی ایرانیان مانده و گاه آن را در روزهای بارانی زمزمه می‌کنیم و «شاد و خرم» به دوران کودکی می‌رویم. مجدالدین میرفخرایی، منتخل به گلچین گیلانی (۱۱ دی ۱۲۸۸، رشت - ۲۹ آذر ۱۳۵۱، لندن)، پزشک و شاعر و از خانواده‌ای سرشناس بود. مجدالدین تحصیلات مقدماتی را در زادگاهش گذراند و دوره متوسطه را در تهران به پایان رساند. سپس در فلسفه و علوم تربیتی دانش آموخته شد. پس از آن به انگلستان رفت و در رشته بیماری‌های گرمسیری تخصص گرفت و دیگر به ایران بازنگشت. گلچین از نوجوانی به شاعری پرداخت و کم‌کم به شهرت دست یافت. چند شعر از او در روزنامه‌های رشت و بعدها در مجله‌های ارمغان، روزگار نو، فروغ و سخن منتشر شد. شعر «باران» او، که بخشی از آن، از چند دهه پیش به این سو، در کتاب‌های درسی به چاپ رسید، معروف است.

کامیار عابدی، منتقد ادبی و پژوهشگر که نخستین مقاله و کتابش را درباره گلچین گیلانی در سال ۱۳۶۸ نوشته و کتابش با عنوان «با ترانه باران: زندگی و شعر گلچین» درباره علت شهرت این شعر و این‌که آیا صرفاً آمدنش در کتاب‌های درسی باعث شهرتش شده، با بیان این‌که حضور این شعر در کتاب‌های درسی می‌تواند عاملی بر شهرتش باشد، می‌گوید: گلچین در این شعر از یک آهنگ خیلی شادمان استفاده کرده به‌نحوی که برای بچه‌ها خیلی ملموس است و این موضوع خیلی مهم‌تر بوده است. همچنین تصویرپردازی‌های گلچین گیلانی در این شعر خیلی شاد و زنده است و برای بچه‌ها بسیار جذاب و ملموس است و این‌ها از عوامل شهرت این شعر است. آهنگ شعر برای سنین کودکی فوق‌العاده است و آن‌ها را جذب می‌کند و در ذهن کودکان و نوجوانان به‌صورت خاطره می‌ماند. او می‌افزاید: گلچین گیلانی این شعر را زمانی که سال‌ها دور از ایران بوده و در انگلستان می‌زیسته به یاد زادگاهش سروده است. فکر می‌کنم از نظر روحی، این غربت در شعرش تأثیرگذار بوده که به یاد دوران کودکی‌اش سروده است. این عوامل دست‌به‌دست هم داده تا این شعر به‌عنوان شعری برجسته در ادبیات ایران مطرح شود که نه فقط کودکان بلکه حتی بزرگسالان را به خود جذب و جلب کند.

عابدی درباره تاریخ سرایش شعر که به اوایل جنگ جهانی دوم برمی‌گردد، بیان می‌کند: بلبه در اوایل جنگ جهانی دوم و زمانی که ایران هنوز وارد جنگ نشده بود؛ ولی انگلستان درگیر جنگ بود سروده شده است. یکی از نکته‌های جالب درباره گلچین گیلانی این است که او جزو معدود شاعرانی است که مواجهه مستقیمی با جنگ جهانی دوم دارد؛ گلچین گیلانی در زمان جنگ راننده آمبولانس بوده و این موضوع در شعرش با عنوان «خانه تار» انعکاس یافته است. این شعر درباره خانه‌ای است که به دلیل بمباران آلمان‌ها ویران شده است. عابدی درباره چگونگی ورود این شعر به کتاب‌های درسی در سال‌هایی که شعر و ادبیات کودک در ایران نوپا بوده است، بسا بیان این‌که دقیق ماجرا را نمی‌داند، توضیح می‌دهد: اگر اشتباه نکنم این شعر حدود سه دهه بعد از سروده شدن، وارد کتاب‌های درسی شد

دریچه



بردی ایزکویردو رودریگز - کوبا

روزنامه همدلی

چو ابر زلف تو بی‌برمن قمر می‌گشت ز ابر دیده کنارم به اشک تر می‌گشت ز شور عشق تو در کام جان خسته من جواب تلخ تو شیرینتر از شکر می‌گشت خوی عذار تو بر خاک تیره می‌افتاد وجود مرده از آن آب جانور می‌گشت اگر مرا به زر و سیم دسترس بودی ز سیم سینه تو کار من چو زر می‌گشت

مجاز همدلی

نمی‌دونم تو کدوم داستان ادبیات خوندم؛ ولی فهمیدم اونکه پشت سر آدم حرف میزنه مهم نیست؛ ولی اونیکه اون حرف رو به گوشت می‌رسونه مهمه! می‌گفت دشمن من به تیر پرتاب کرد ولی به من نخورد ولی تو اونو برداشتی و به من زدی! (پرچم ایرلند/دارنده بوگاتی) (Venusi) امروز با مدیر جدید صحبت می‌کردیم ازش راجب ساعت کاری پرسیدم، بر گشت گفت ساعت کاری معنی نمیده، نیروی سنپور نیازی به کنترل نداره که. سسر یه چیزی توافق می‌کنیم برسونی تمومه دیگه. پن: برسد به دست مدیرانی که تا فیها خالدون کارای نیرو رو میخان کنترل (ریز مدیریت) کنند.

ولی جدی بچه‌هایی که به‌خاطر کووید با سیستم آنلاین شروع کردن به شکل معنی‌داری با بچه‌های سال‌های قبل متفاوتن. ساده‌ترین کلمه‌ها رو اشتباه می‌خونن و املاها هم اکثرا تعطیل. (The B) آدم بعضی وقتا دلش میخواد یسه تعریفی از خودش بشنوه که یادش بره جنگ زده‌ست. یه چیز معمولی، خیلی معمولی. مثلا قشنگ میخندی. مهربون حرف میزنی. چشات آرومه. یه چیزی به همین کوچیکی. نه که دائم بهش بگن تسو مینوی، تو قوی ای. تو خنفی. باریکلا. نه. اینا نه(هاریسون)

دنیای علم

ساخت سوخت جت از فضولات انسان!

یک شرکت انگلیسی موفق به توسعه سوخت جت از مدفوع انسان شده است، چیزی که به وفور در دسترس است و یک بازی برد-برد برای همه است. یک شرکت انگلیسی به نام «فایرفلای گرین فیولز» شکل جدیدی از سوخت جت را توسعه داده است که کاملاً غیر فسیلی است و از فضولات انسانی ساخته شده است.

این شرکت با کارشناسان دانشگاه «کرنفیلد» همکاری کرد تا تأیید کند که سوختی که تولید کرده ۹۰ درصد کمتر از سوختی که امروزه در هوانوردی استفاده می‌شود، ردپای تولید کربن دارد. آزمایش‌های تنظیم‌کننده‌های مستقل نیز تأیید کرد که آنچه این شرکت توسعه داده تقریباً مشابه با سوخت استاندارد جت است.

این شرکت در سال ۲۰۲۱ یک کمک مالی دو میلیون پوندی از وزارت حمل و نقل بریتانیا دریافت کرد تا به توسعه سوخت پایدار هوانوردی خود ادامه دهد.

اگرچه سوخت ابداعی آن هنوز به صورت تجاری در دسترس نیست، اما این شرکت می‌گوید که در مسیر رساندن سوخت خود به بازار جهانی است و اولین کارخانه تجاری خود از ظرف ۵ سال آینده راه‌اندازی خواهد کرد.

این شرکت تا قبل با شرکت هواپیمایی «ویز ایر» (Wizz Air) قرارداد همکاری بسته است تا سوخت جت‌های آن را از سال ۲۰۲۸ تأمین کند.

این شرکت در حال حاضر منابع خود برای تولید این سوخت را از شرکت‌های فاضلاب در بریتانیا تأمین می‌کند و فاضلاب تصفیه شده را از طریق فرآیندی به نام مایع‌سازی گرمایی که زباله‌های مایع را به لجن یا نفت خام تبدیل می‌کند، می‌گیرد.

محصولات فرعی جامد نیز می‌توانند به کودهای گیاهی تبدیل شوند. این شرکت ادعا می‌کند که مقیاس «شدت کربن» کل این فرآیند که میزان کربن مورد نیاز برای تولید انرژی را اندازه می‌گیرد، ۷.۹۷ گرم دی اکسید کربن به ازای هر مگاژول است.

این در حالی است که شدت کربن ثبت شده برای تولید سوخت جت از ۸۵ تا ۹۵ گرم دی اکسید کربن در هر مگاژول متغیر است. همانطور که این شرکت اشاره می‌کند، میلیون‌ها سال طول می‌کشد تا مواد آلی به سوخت‌های فسیلی تبدیل شوند.

این در حالی است که ابتکار شرکت فایرفلای، تولید سوخت را در عرض چند روز امکان‌پذیر می‌کند و مهم‌تر از آن، زباله‌های انسانی یک منبع گسترده در دسترس هستند. هنوز مشخص نیست که آیا این سوخت جت پایدار از آنچه در حال حاضر موجود است، گران‌تر خواهد بود یا نه.

با این حال جیمز هیگت مدیرعامل این شرکت در بیانیه‌ای اشاره کرده است که استفاده از فضولات انسانی یک منبع ارزان و فراوان است که هرگز تمام نمی‌شود.

دستیابی به تولید کربن خنثی در صنعت هوایی، یک هدف طولانی‌مدت برای تنظیم‌کننده‌ها و رهبران در اروپا و ایالات متحده است. در حالی که خودروهای الکتریکی در صنعت خودرو پیشرفت کرده‌اند، ممکن است مدتی طول بکشد تا جت‌های تجاری با باتری را ببینیم. بنابراین در این بین، راه‌حلهایی برای ایجاد سوخت جت سازگارتر با محیط زیست مورد استقبال قرار می‌گیرد.